

در مطلب حاضر نویسنده ضمن تبیین چیستی و ماهیت زهد، به برخی از آثار زهدورزی و نشانه‌های زاهدان اشاره کرده و عوامل کسب زهد را بر شمرده است.

چیستی زهد

زهد در منازل سیر و سلوک به معنای رهایی از رغبت به دنیا و هر چه غیر خدا است. در حقیقت انسان باید نخست هر گونه رنگ تعلق به دنیا را از خود تخلیه کند تا قلب بالجمله و به تمام معنا رنگ خدایی بگیرد. پس رهایی از رغبت منفی گام نخستی است که انسان را برای رغبت مثبت به سوی خدا آماده می‌کند.

از نظر قرآن، کسی می‌تواند در منزل زهد در آید که به مالکیت، ربوبیت خدا، قضا و قدر الهی ایمان داشته باشد و هر چیزی که به او و دیگران می‌رسد را از ناحیه خدا بداند و به داشته‌هایش دل نبندد و نسبت به از دست داده‌ها تأسف نخورد. از این رو امیرمؤمنان علی(ع) و نیز امام صادق(ع) در تعریف زهد می‌فرمایند: **الزَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّمَا تَأَسَّوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ** (حدید، آیه ۲۳) **وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْبَاقِي فَقَدْ أَخَذَ الزَّهْدَ بَطَرَفِهِ؛** تمام زهد در دو جمله از قرآن است که می‌فرماید: تا برای آنچه از دست داده‌اید تأسف مخورید و به آنچه به شما داده است، سرمسرت و فرحناک مپاشید؛ و هر کس بر رفته‌ها تأسف نخورد و به آنچه می‌آید سرمسرت و فرحناک نشود، زهد را تمام و کمال به دست آورده است.((نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، حکمت ۴۳۱: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۶؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۲)

از این مطلب دانسته می‌شود که زهد، نداشتن و مالک نبودن چیزی نیست، بلکه معنای زهد آن است که چیزی مالک قلب او نشود، بلکه خدا را مالک قلب خود دانسته و آن را عرش الهی قرار دهد. **قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ.** (بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۳۹) و بگذارد تا خدا با تمام صفات

نگاهی به چیستی و آثار زهدورزی و ویژگی زاهدان

امام کاظم (ع) هنگامی که بر سر قبری حضور یافتند، فرموده است: همانا دنیایی که نهایت و آخرین منزلش این است، پس سز او را است که از ابتدا نسبت به آن زهد ورزیده شود.

خویش در آن تجلی کند؛ زیرا هیچ یک از آیات الهی از این ظرفیت و سعه وجودی برخوردار نیست تا خدا به تمام در آن تجلی کند و تنها این قلب مومن است که چنین سعه وجودی را دارا است و می‌تواند آیته تمام نمای صفات الهی باشد، چنانکه در حدیث قدسی آمده است: **لَا يَسْغِي أَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْغِي قَلْبَ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ.** (عوالی‌اللاکی، ص ۴، ص ۷)

زهد آن نیست که تو صاحب چیزی نشوی

زهد آن است که چیزی نشود صاحب تو
معنا و مفهوم زهد عرفانی

چنانکه گفته شد زهد در لغت ضد رغبت و حرص بر دنیا است(لسان العرب، ج ۶، ص ۹۷، «زهد»): واژه زهد در قرآن به کار نرفته است؛ اما عباراتی در قرآن به کار رفته که دلالت بر مفهوم زهد دارد و در روایات موصومان (ع) این آیات به معنای زهد معنا شده است. چنانکه امیرمؤمنان(ع) آیه ۲۳ سوره حدید را به معنای زهد گرفته است و همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **قول الله تعالی «لِيُؤْكَلُمَ إِلَيْكُمْ أَصْنَانٌ»**؛ یعنی کدام یک از شما در دنیا زاهدتر است.(مکارم‌الاخلاق، ص ۴۴۷؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹۳، ج ۱)

شب زمان ملاقات با محبوب

در آموزه‌های قرآنی، زمان‌هایی برای برخی از امور مطرح شده که دلیل بر اهمیت آن زمان‌ها است. این زمان‌ها باید برای انسان‌ها اهمیت بسزایی داشته باشد؛ زیرا در این زمان‌ها می‌تواند بیشترین بهره را ببرد.

از نظر قرآن شب، بهترین زمان ملاقات با خداست. این در حالی است که خداوند بیرون از همه احادی بعد چهارم زمان و خالق آن است و **«وَلَيْسَ عِدَّتُهَا مِثْلُ صَبَاحٍ وَلَا مِثْلُ مُمْسٍ»**؛ برای پروردگار ما شب و صبحی نیست؛ اما اگر برای آن سوی دیدار ما زمان معنا و مفهوم ندارد، اما برای انسان که گرفتار ابعاد از جمله زمان است، زمان نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کند.

براساس آیات قرآن، خداوند نظام کونی هستی را در شش دوره آفریده که از هر یک به عنوان «یوم» روز» یاد می‌کند. (فرقان، آیه ۵۹: سجده، آیه ۴؛ ق، آیه ۳۸) دو روز اول، زمین آفریده شده (فصلت، آیه ۹)، دو روز دوم، هفت آسمان آفریده شد (فصلت، آیه ۱۲) و دو روز سوم نیز آنچه میان آسمان و زمین آفریده شده است. (فرقان، آیه ۵۹)

براساس این آیات اگر برای خالق، زمان، معنایی ندارد و خود گرفتار زمان نیست؛ اما آفریده‌های الهی یا زمان عجین و آمیخته شده‌اند و انسان در این میان بیشتر به زمان وابسته است.

روز و شب برای انسان آفریده شده و دارای ویژگی‌هایی است که باید بداند توجه باید شناید باور این حقیقت برای برخی انسان ها ساخت باشد که هستی در خدمت انسانان است و حتی روز و شب برای اوست. خداوند در آیات قرآن بیان می‌کند که اگر چه ستارگان به عنوان زینت آسمان هستند، ولی همین ستارگان برای دور کردن شیاطین است تا تا ملاً اعلی اخبار را نزنزدند و به آدمی آسیب نرسانند و اگر اقدامی در سرعت و استماع کردند با شباهت سنگ‌ها تعقیب و شکار می شوند. (حجر، آیات ۱۶ تا ۱۸؛ صافات، آیات۱۰ و ۱۰۰، جن، آیه ۹) همچنین خداوند روز برای کار و تلاش آدمی (مزمّل، آیه ۷) و شب را برای استراحت (فرقان، آیه ۴۷؛ نباء، آیه ۹) و بهره‌گیری از گام‌های استوارتر و راست‌تر برای تقربیا عبادت (مزمّل، آیه ۶) قرار داده است. از همین روست که میقات و ملاقات پیامبران از جمله حضرت موسی(ع) در شب بوده است. (اعراف، آیه ۱۴۲) و پیامبر(ص) نیز معراج شبانه داشته (اسراء، آیه ۱)، و در شب به میقات پروردگارش در «قاب قوسین او ادنی» رفته است. (نجم، آیه ۱۸)

همچنین وحی که سخنی سنگین است در شب و میقات شبانه

نصب پیامبر(ص) شده است. (مزمّل، آیات ۵ تا ۷) و مقام محمود نیز زمانی نصب پیامبر(ص) می‌شود که تهجد شبانه داشته باشد. (اسراء، آیه ۷۹)

شب برای آدمی به سبب آنکه در تاریکی قرار می گیرد و در بند رنگ‌ها و آراسته‌ها و زینت‌های دنیایی نیست و همه‌چیزهای پیرامونش از حالت فریبا بیرون می‌رود بهترین زمان ملاقات است؛ زیرا می‌تواند از همه‌چیز ببرد و به سوی خدا برگردد و در آرامشی مطلق با خدایش ملاقات کرده و زبانی ویژه داشته باشد. امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: **«ن الوصول الی الله سفر لا یدرک بالامطاء اللیل، رسیدن به خداوند سفری است که جز با مرکب رھوار شب درک نمی‌شود.»** (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰)

به قول سعدی شیرازی:

ایهاالله! جهان جای تن آسانی نیست

مرد دانا، به جهان داشتن ارزانی نیست

خفتگان را خدیش خبر زمرغ مرغ سحر

شَب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

در اصطلاح اخلاقی و عرفانی، زهد به معنای پشت کردن به دنیا و روی آوردن به آخرت، بلکه قطع نظر کردن از غیر خدا و رو آوردن به خدا است که این بالاترین درجات زهد است.(معراج السعاده، ص ۳۳۵: التحقیق، ج ۴، ص ۳۱۱، «زهد»)

خواجه عبدالله انصاری در تعریف زهد از منظر عرفان می‌نویسد: **الزهد إسقاط الرغبة عن الشيء بالكلیّة؛** زهد آن است که شما به‌طور کلی میل و رغبت را از هر چه غیر خداست ساقط کرده و فقط دل را به خدا بدهی.(منازل السائرین، منزل ۱۶)

بوعلی سینا در تعریف زاهد می‌نویسد: آن که از تنعم دنیا رو گرداند، زاهد است.(الاشارات، نمط نهم، فصل مقالات العارفین)

باید دانست که در مکتب قرآنی، زهد، دست کشیدن از دنیا نیست، بلکه پر نکشیدن دل به سوی دنیاست. ای بسا فقیر، راغب به دنیا و چه‌بسا غنی، زاهد از دنیا باشد. پس شاخص زهد بی‌ربغیتی به دنیا (این است که بود و نبود آن، در روح شخص اثر نگذارد و آن را متلاطم نکند؛ چنانکه از آیه ۲۳ سوره حدید و تفسیر معصوم(ع) بر می‌آید. از این رو در روایات زهد به معنای بی‌ربغیتی به دنیا و گرایش به آن است، به طوری که بی‌ربغیتی به او را به تقوای الهی و ورع در مرتبه بالاتر سوق دهد و از هر گونه حرام و گناه باز دارد. امام حسن مجتبی – ع – فرمود: **(الزَّهْدُ الرِّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا؛** زهد، میل به تقوی و پرهیزکاری و بی‌رغبی نسبت به دنیا است.(تحف العقول، ص ۲۵۴)

رسول خدا – ص – فرمود: **الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ**

معارفMaaref@Kayhan.ir

از نظر قرآن، کسی می تواند در منزل زهد در آید که به مالکیت، ربوبیت خدا، قضا و قدر الهی ایمان داشته باشد و هر چیزی که به او و دیگران می رسد را از ناحیه خدا بداند و به داشته‌هایش دل نبندد و نسبت به از دست داده‌ها تأسف نخورد.

است که امام علی(ع) فرموده است: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صِبْرَةً وَ لَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ؛ زاهد در دنیا، کسی است که حرام بر صبر او غالب نشود و در مقابل محرّمات، صبر خویش را از دست ندهد و استفاده از حلال الهی نیز او را از شکر پروردگار باز ندارد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷)

۱۲. اجتناب از حرام: شاید سخت‌ترین کار آن است که انسان بتواند از حرام چشم ببوشد در حالی که می‌تواند انجام دهد. در صفات زاهدان، پیامبر(ص) می‌فرماید: **أزهد الناس من اجْتَنَبَ الحرام؛** زاهدترین مردم، کسی است که از حرام اجتناب کند.(بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۲)

۱۳. دارای صفات پیامبران: زهد صفت پیامبران است. رسول خدا – ص – فرمود: **ما اتَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا؛** خداوند هیچ بنده‌ای را به پیامبری انتخاب نکرد، مگر اینکه زاهد و بی‌میل نسبت به دنیا بود. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۳)

۱۴. کلید خیر: از نظر آموزه‌های وحیانی هر کسی خیر می‌جوید



زهد منزل رهایی از دلبستگی‌های دنیا

علی پوریا

نعمهٔ و الورع عن کل ما حرم الله؛ زهد در دنیا عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، شکر همه نعمت‌ها و ورع و اجتناب از هر چه که خداوند آن را حرام کرده است. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۱)

از روایات به دست می‌آید که عدم بهره‌گیری از طبیبات و نعمت‌های الهی به معنای زهد نیست؛ بلکه چنانکه خدا در قرآن فرموده است مومنان باید از نعمت‌های طیب دنیا استفاده کنند، ولی اجازه ندهند که قلب بدان تعلق خاطر پیدا کند؛ ای پیامبر بگو: زینت‌ها و زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های طیب و پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟! بگو: این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ و روز قیامت نیز خالص آنان است. ما این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌دانند به‌روشنی بیان می‌کنیم.(اعراف، آیه ۳۲)

از این رو رسول خدا – ص – نسبت به ریاضت غیرشرعی و حرام کردن حلال خدا همدار داده و فرموده است: **الزَّهْدُ لیس بتحریم الحلال و لکن اَنْ یَکُونَ بما فی یدی الله اَوْقُ منه بما فی یدِهِ** زهد، این نیست که انسان حلال خدا را بر خود حرام کند، بلکه زهد این است که انسان به آنچه در دست خداست اعتماد و اطمینان بیشتری داشته باشد تا به آنچه در دست خود و در سیطره قدرت محدود بشری است. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲)

خصوصیات زاهدان و آثار زهدورزی

کسی که نسبت به دنیا رغبت و دلبستگی ندارد و با آنکه از آن استفاده می‌کند نسبت به داشته‌ها و از دست رفته‌ها با فرحناکی و افسوس نمی‌نگرد، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات می‌شود که آثار و برکات آن در زندگی دنیوی و اخروی پدیدار می‌شود. در آیات و روایات به این خصوصیات زاهدان و آثار زهدورزی اشاره شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های زاهدان و آثار زهدی که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ترک افسوس: براساس تفسیر امام علی(ع) از آیه ۲۳ سوره حدید که آن را به زهد معنا کرده باید گفت افسوس نخوردن بر از دست داده‌ها، از اوصاف زاهدان است.

۲. ابتنارگری: ابتنارگری و ترجیح دیگران بر خویشستن، در عین نیازمندی، از اوصاف زاهدان است.(حشر، آیه ۹)

۳. ترک فرحناکی: ترک شادی مستانه که از آن به فرح یاد شده به هنگام بهره‌مندی‌ها و به دست آوردن مواهب دنیوی و عدم فخرفروشی به داده‌های الهی، از اوصاف زاهدان است.(حدید، آیه ۲۳)

۴. صبر: صبر و شکیبایی، از اوصاف زاهدان مؤمن و دارای عمل صالح است.(قصص، آیات ۷۹ و ۸۰)

در مکتب قرآنی، زهد، دست کشیدن از دنیا نیست، بلکه پر نکشیدن دل به سوی دنیاست. ای بسا فقیر، راغب به دنیا و چه‌بسا غنی، زاهد از دنیا باشد. پس شاخص زهد و بی‌رغبی به دنیا این است که بود و نبود آن، در روح شخص اثر نگذارد و آن را متلاطم نکند.

۵. عَقَتْ عَقَتْ نفس و اجتناب از اظهار فقر و مسکنت در عین نیازمندی، از اوصاف زاهدان است.(بقره، آیه ۲۷۳)

۶. مَرَد نَحْوِاسْتَنْ: مرد نخواستن برای اجرای رسالت و هدایت مردم و تبلیغ همانند پیامبران از نشانه‌های زهدورزی است.(انعام، آیه ۹۰، هود، آیات ۲۵ و ۲۹ و ۱۵۱، یوسف، آیه ۱۰۴)

۷. مَحَبَّتْ به مهاجران: محبت و دوستی نسبت به مهاجران، از نشانه‌های زهد مومنان است.(حشر، آیه ۲۹)

۸. هدایت: هدایت خاص الهی و بهره‌مندی از رستگاری، از اوصاف زاهدان است.(یس، آیه ۲۱)

۹. آخرت‌گرایی در دنیا: امام علی – ع – در وصف زاهدان فرموده است: **کانوا قوماً من أهل الدنیا و لیسوا من أهلها فکانوا یحکمُن کَمَنْ لیس منها،** عموماً فيها بما یصلون؛ گروهی هستند که گرچه (در ظاهر) از دنیا هستند، ولی (در باطن) از آن دنیا نیستند، در دنیا هستند مانند کسی که در آن نیست، عمل آنها در دنیا به آن چیزی است که بعد از مرگ می‌بینند و برای دفع عذاب خدا از خود، نشانان به وظائف خود عمل می‌کنند. (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۰)

۱۰. دل‌های گریان و چهره‌های خندان: از دیگر صفات زاهدان واقعی است. امام علی – ع – فرمودند: **اِنَّ الزَّاهِدینَ تبکی قلبُهُم و إن ضحکُوا؛** انسان‌های زاهد گرچه (در ظاهر) خندان و متبسم هستند،

لکن بکین شیوه بکیندی خدا: رسول خدا – ص – فرموده

۹. بریدن از دنیا: رسول خدا – ص – فرموده است: **کیف یَعْمَلُ**

الآخره من لا یقطع من الدنیا رغبتَه؛ چگونه انسانی که میل و رغبتش به دنیا قطع نشده، برای آخرت خویش کار کند. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۲)

از نظر قرآن، کسی می تواند در منزل زهد در آید که به مالکیت، ربوبیت خدا، قضا و قدر الهی ایمان داشته باشد و هر چیزی که به او و دیگران می رسد را از ناحیه خدا بداند و به داشته‌هایش دل نبندد و نسبت به از دست داده‌ها تأسف نخورد.

المتّقین؛ زهد و بی‌رغبی به دنیا، خصلت و روش انسانهای با تقوا است. (غیرالحکم، ص ۲۷۵، ج ۶۰۳۴)

۲۴. فروتنی: از آثار زهد فروتنی است. امام علی(ع) فرمود: **لا یَکُونُ زَاهِدًا حَتّٰی یَکُونُ مُتَوَاضِعًا** هیچ شخصی زاهد نیست مگر اینکه (نسبت به دیگران) متواضع باشد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸)

۲۵. تظاهر به تزهد: رسیدن به زهد واقعی نیازمند گذر از مراحل است که گام نخست آن تظاهر به زهد است. امام علی – ع – فرمود: **أَوَّلُ الزَّهْدِ التَّزَهُدُ؛** ابتدا و شروع زهد و بی‌رغبیتی نسبت به دنیا، با تظاهر به زهد متوقف می‌شود. (غیرالحکم، ص ۲۷۵، ج ۶۰۵۵)

۲۶. روش حکمت: از آثار زهدورزی روش حکمت و کسب

نورانیت آن است. پیامبر اکرم – ص – فرمود: **یا أَبَاذَرٍّ ما زَهِدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا أَبْنَتْ اِلَهُهُ الْحِکْمَةُ** فی قلبه و انطق بها لسانه و یُتَخَرَّجُ عِیوبُ الدُّنْیا و دواها؛ ای ابذر، هیچ بنده‌ای نسبت به دنیا زهد نوزرد، مگر اینکه خداوند حکمت را در او قلیش و روشاند و به واسطه آن زبانش را به کلمات حکیمانه گویا می‌کند و او را نسبت به عیوب دنیا بصیرت داده، درد و داروی آن را به او می‌شناساند. (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۰)

همچنین امام علی – ع – فرمود: **بِالزَّهْدِ تُثْمَرُ الْحِکْمَةُ؛** ثمره و نتیجهٔ حکمت با زهد و بی‌رغبیتی نسبت به دنیا حاصل می‌شود. (غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۸۹)

۲۷. آسایش برتر: برای کسب آسایش برتر در آخرت باید نسبت

به دنیا زهد داشت. امام علی(ع) فرمود: **الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعَظْمٰی؛**

زهد و بی‌رغبیتی نسبت به دنیا، آسایش برتر و بزرگتر است.(غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۷۷)

۲۸. سعادت: از آثار زهدورزی کسب سعادت دنیا و آخرت است. امام علی(ع) فرمود: **عَظَمُ النَّاسِ سَعَادَةً أَكْثَرُهُم زَاهِدًا؛** سعادت‌مندترین مردم، کسانی هستند که بیشتر از دیگران نسبت به دنیا زهد می‌ورزند. (غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۸۶)

۲۹. برخسوداری از رحمت الهی: امام علی – ع – فرمود: **زَهِدٌ فِي الدُّنْيَا تَنْزَلُ عَلَیْكَ الرَّحْمَةُ؛** در دنیا زاهد باش تا رحمت پروردگار بر تو نازل شود. (غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۸۴)

۳۰. بی‌نیازی: اسام علی – ع – فرمود: **لَنْ یَفْتَقِرَ مَنْ زَهِدًا؛** زاهد، هرگز محتاج و فقیر نمی‌شود. (غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۹۳)

۳۱. بهشت: امام علی – ع – فرمود: **لَنْ یُجَنَّتَ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛** بهای بهشت، زهد در دنیاست.(غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۹۰)

۳۲. رهایی از بند نفس و کسب رضایت الهی: امام علی – ع – فرمود: **من زَهِدٌ فِي الدُّنْيَا عَقَّتْ نَفْسَهُ وَ أَرْضَى رِئْهَ؛** کسی که نسبت به دنیا زهد بورزد، نفس خویش را آزاد کرده و پروردگارش را راضی ساخته است.(غیرالحکم، ص ۲۷۷، ج ۶۱۰۰)

۳۳. راه سلامت: زهد راه سلامت است که انسان باآن به سلامت از دنیا خارج می‌شود. (مریم، آیه ۱۹) امام علی – ع – فرموده است: **اَلَا اِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا یَسْلَمُ مِنْهَا اِلَّا بِالزَّهْدِ** فیهَا؛ آگاه باشید که همانا دنیا خانه‌ای است که انسان سالم از آن خارج نمی‌شود مگر با زهد و بی‌رغبیتی نسبت به دنیا. (غیرالحکم، ص ۱۲۸، ج ۲۴۳۱)

۳۴. پرهیز از خیالبافی: زاهدان انسان‌هایی منطقی و عقلی هستند و از خیالبافی به دور؛ پس هر چه دارند را از خدا می‌دانند و اگر چیزی را بر اثر مصیبتی از دست دادند به حکمت الهی و مصلحت خویش می‌دانند.(حدید، آیات ۲۲ و ۲۳)

۳۵. پرهیز از فخرفروشی: زاهدان اگر دارایی دارند از خدا دانسته

و نسبت به آن به دیگران فخر نمی‌فرشند و تفاخر نمی‌ورزند.(همان)

۳۶. بخشندگی و پرهیز از بخل: از دیگر صفات آنان این است که بخشنده بوده و از بخل پرهیز می‌کنند.(حشر، آیه ۹)

۳۷. اخلاص کامل: زاهدان انسان‌هایی هستند که در هر کاری با اخلاص کامل وارد می‌شوند و خلوص از همه اعمال ایشان متجلی است.(ص، آیه ۴۶)

راه‌های کسب زهد و عوامل آن

زهدورزی نیازمند زمینه‌هایی است که از آن به‌ عنوان راه‌ها و عوامل زهد یاد می‌شود. از مهم‌ترین این زمینه‌ها و عوامل می‌توان به

زهد، نداشتن و مالک نبودن چیزی نیست، بلکه معنای زهد آن است که چیزی مالک قلب او نشود، بلکه خدا را مالک قلب خود دانسته و آن را عرش الهی قرار دهد.

موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایمان به خدا: ایمان به خداوند، زمینه ساز زهد و بی نیازی و انقطاع از مردم و پیوستن به خدا است.(هود، آیه ۵۱، شعراء، آیات ۱۰۹ و ۱۲۷)

۲. ایمان به تقدیرات الهی: ایمان و اعتقاد به تقدیر الهی یعنی نوشته شدن هر چیزی برای انسان از قبل از خلقت، زمینه زهدورزی و عدم شادی بر برخورداریا و عدم ناراحتی در از دست دادن‌ها است. (حدید، آیات ۲۲ و ۲۳)

۳. ایمان به پاداش الهی: ایمان به برتری پاداشهای الهی برای مؤمنان و صاحبان عمل صالح، زمینه ساز زهدورزی آنان است.(هود، آیات ۴۵ و ۴۹ و ۵۱، شعراء، آیات ۱۰۹ و ۱۲۷)

۴. یادکرد بسیار آخرت: از وصیت‌های امام علی(ع) به فرزندش امام حسن – ع – این است: **أَکْثَرُ ذَکْرِ الْآخِرَةِ وَ مَا فِیْهَا مِنَ التَّعْلِیمِ وَ الْعَذَابِ الْاَلِیمِ یُزَهِدُکَ فِي الدُّنْيَا وَ یُعِزُّکَها عندَکَ؛** بسیار به یاد آخرت و نعمت‌های آن و عذاب دردناکی که از آن است باش که یادآوری این امور تو را نسبت به دنیا بی‌رغبت نموده و دنیا را در نظر تو کوچک می‌کند.(بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۲۴)

۵. یقین: ریشه و خاستگاه زهد یقین نسبت به خدا و آخرت و امور دیگر است. امام علی – ع – فرمود: **اصل الزَّهْدِ یَقِینٌ؛** ریشه و اساس زهد، یقین است. (غیرالحکم، ص ۲۷۵، ج ۶۰۵۸)

۶. مرگ: یکی از عواملی که در زهدورزی بسیار نقش دارد، مرگ

است. در قرآن از مرگ به یقین نیز تعبیر شده است. (حجر، آیه ۹۹)

شاید مراد امام علی(ع) نیز از یقین همین مرگ بود که آن را اساس زهد دانسته است. امام کاظم – ع – هنگامی که بر سر قبری حضور یافتند، فرموده است: **اِنَّ شَیْئًا هَذَا اَخْرَجَهُ تَحْقِیقُ اَنْ یُزَهِدَ فِي اَوْلَئِهِ** همانا دنیایی که نهایت و آخرین منزلش این است، پس سزاوار است که از ابتدا نسبت به آن زهد ورزیده شود.(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۰)

۷. معرفت: معرفت و شناخت نسبت به حقایق هستی از جمله ارزش دنیا و آخرت موجب می‌شود تا انسان گرایش به زهد نسبت به دنیا پیدا کند. از نظر امام علی(ع) حتی داشتن اندکی از معرفت نیز می‌تواند این زهد را بیافریند. ایشان فرموده است: **سِیَرُ الْمَعْرِفَةِ یُوجِبُ الزَّهْدَ فِي الدُّنْيَا** داشتن اندکی از معرفت و شناخت، موجب بی‌رغبیتی نسبت به دنیا خواهد شد.(غیرالحکم، ص ۴۳، ج ۷۶۵) آن حضرت(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: **کیف یزهد فی الدنیا من لا یعرف قدر الاخرة؛** چگونه می‌شود کسی که شناخت و معرفتی نسبت به آخرت ندارد، در مورد دنیا زهد ورزیده و بی‌رغبت باشد. (غیرالحکم، ص ۱۴۶، ج ۲۶۵۲)

۸. مرگ شهوت: انسان باید به گونه‌ای عمل کند که شهوت‌های نفسانی بر روان وی چیره نشود و به نوعی شهوت در دلش مرده باشد تا بتواند زاهد شود. امام علی – ع – فرموده است: **کیف یصل الی حقیقه الزَّهْدِ مِنْ لَمْ تُمُتْ شهوتُهُ؛** چگونه می‌شود انسانی که شهوت (و خواسته‌های نفسانی) را در درون خود بین نبرده است، به حقیقت زهد شده پیدا کند؟(غیرالحکم، ص ۲۷۶، ج ۶۰۴۶)

۹. بریدن از دنیا: رسول خدا – ص – فرموده است: **کیف یَعْمَلُ** الاخره من لا یقطع من الدنیا رغبتَه؛ چگونه انسانی که میل و رغبتش به دنیا قطع نشده، برای آخرت خویش کار کند. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۲)

چراغ راه

اوصاف طعام کامل

قال النبی(ص): «ذا جمع للطعام اربع خصال فقدتم: اذا کان من حلال؛ و کثرت الابدی علیه؛ و سمی الله تبارک و تعالی فی اوله، و حمد فی اخره»

پیامبر گرامی (ص) فرمود: اگر در غذا و طعام چهار ویژگی فراهم آید، (آن طعام) کامل خواهد بود. ۱- از حلال باشد ۲- دست‌های زیادی در خوردن آن شرکت کنند ۳- با نام خدا آغاز شود ۴- با حمد خدا پایان یابد. (۱)

حکایت خوبان

پرهیز از مبالغه در مدح و ستایش

عدای خدمت پیامبر(اکرم(ص) عرض کردند: ما فکر می‌کنیم، همانند دیگران به تو سلام کنیم کافی نیست، بلکه همانند دیگر سران و بزرگان به حالت سجده به تو احترام کنیم. ی می‌پویند یکی از پهلودیان به نام «بورقان» به اتفاق هینت اعزامی نجران در مدینه خدمت پیامبر(اکرم(ص) اظهار داشتند: اگر مایل هستی تو را پرستش کنیم و مقام الوهیت برایت قابل قبول شویم (فاید شکر می‌کردند که مخالفت پیامبر(ص) با الوهیت حضرت عیسی(ع) به خاطر این است که او سهمی از این موضوع ندارد، بنابراین اگر برای او مقام الوهیت قابل ششوند از مخالفت با الوهیت عیسی(ع) دست برمی‌دارد و شاید هم این پیشنهاد توطئه‌ای برای بدنام کردن پیامبر(ص) و منحرف کردن افکار عمومی از او بود) نبی‌مکرم اسلام با نهی و جلوگیری از تعریف و تمجید و ستایش غیرمعمول و بیش از حد عده‌ای، نه تنها از افراط و تفریط در مدح و ستایش جلوگیری کرد بلکه از رفتار بعضی‌ها مانند تکفیرِی‌ها که خودشان بدعت‌هایی را درست می‌کردند و سپس اعلام می‌کردند که این گفته خدا و پیامبر است، جلوگیری و نهی کرده و فرمود: پناه بر خدا من زاهد نمی‌دهم کسی جز پروردگار بگانه مورد پرستش قرار گیرد، خداوند هرگز مرا به چنین امری معیوث نکرده است.

از ابی در نقل شده است که سلمان و بلال را دیدم که به سوی پیامبر(ص) می‌آیند، ناگهان سلمان روی پای پیامبر افتاد و شروع کرد به بوسیدن آن پیامبر و او را از این کار بازداشت و سپس به او فرمود: ای سلمان! رفتاری را که منجمله با شهریاران خود می‌کنند، با من